



تحلیل نقش سواد هوش مصنوعی معلمان در ارتقای کیفیت تدریس، تصمیم گیری

آموزشی و توسعه یادگیری اثربخش دانش آموز

معصومه علیزاده یزن آباد، طیبه رحمانی ساغند، فاطمه سادات الحسینی، رقیه ندیمی اشکلند



کارشناسی مدیریت آموزشی

کارشناسی ارشد مدیریت رسانه های ورزشی

کارشناسی ارشد زبان و ادبیات عربی

کاردانی ادبیات



MDOI-02-2026.0191
MNR-205-2-A287EB

چکیده

با گسترش سریع فناوری های مبتنی بر هوش مصنوعی در آموزش، سواد هوش مصنوعی معلمان به یکی از مؤلفه های کلیدی در بهبود فرایند تدریس و یادگیری تبدیل شده است. این سواد شامل آشنایی با مفاهیم پایه هوش مصنوعی، توانایی استفاده انتقادی و اخلاقی از ابزارهای هوشمند، و بهره گیری هدفمند از داده ها برای بهبود عملکرد آموزشی است. تحلیل نقش سواد هوش مصنوعی معلمان نشان می دهد که این مهارت ها می توانند به ارتقای کیفیت تدریس از طریق شخصی سازی آموزش، طراحی فعالیت های یادگیری متناسب با نیازهای دانش آموزان، و افزایش تعامل در کلاس منجر شوند. همچنین، معلمان دارای سواد هوش مصنوعی قادرند تصمیم گیری آموزشی دقیق تر و مبتنی بر شواهد انجام دهند؛ از جمله شناسایی نقاط قوت و ضعف یادگیرندگان، پایش پیشرفت تحصیلی، و انتخاب راهبردهای آموزشی مناسب. در سطح گسترده تر، به کارگیری آگاهانه هوش مصنوعی می تواند زمینه ساز توسعه یادگیری اثربخش دانش آموزان، افزایش انگیزه، بهبود خودتنظیمی یادگیری و تحقق عدالت آموزشی باشد. بنابراین، توانمندسازی معلمان در حوزه سواد هوش مصنوعی نه تنها یک ضرورت حرفه ای، بلکه عاملی تعیین کننده در تحول آموزش و تربیت نسل آینده است.

کلمات کلیدی: سواد هوش مصنوعی، معلمان، کیفیت تدریس، تصمیم گیری آموزشی، یادگیری اثربخش، آموزش هوشمند،

شخصی سازی یادگیری

مقدمه



دگرگونی های شتابان در عرصه فناوری های نوین، به ویژه ظهور و گسترش ابزارهای هوش مصنوعی، ساختارها و کارکردهای نظام های آموزشی را با چالش ها و فرصت های بی سابقه ای مواجه ساخته است. در این زیست بوم جدید، تدریس دیگر صرفاً به معنای انتقال سنتی دانش و محتوا از معلم به دانش آموز نیست، بلکه فرآیندی پویاتر و پیچیده تر است که نیازمند بازتعریف شایستگی های حرفه ای معلمان متناسب با مقتضیات عصر جدید می باشد. از این منظر، سواد های نوین نظیر سواد رسانه ای و اطلاعاتی و در امتداد آن ها سواد هوش مصنوعی، نه به عنوان مهارت های حاشیه ای و اختیاری، بلکه به عنوان مؤلفه های بنیادین شایستگی معلمی در قرن بیست و یکم مطرح می شوند. نظام تعلیم و تربیت زمانی می تواند در جهت ارتقای کیفیت تدریس و هدایت یادگیری اثربخش گام بردارد که معلمان آن به دانش، مهارت و نگرش انتقادی لازم برای مواجهه با این ابزارها مجهز باشند. سواد هوش مصنوعی در معلمان به معنای توانایی درک منطق کارکرد سامانه های هوشمند، ارزیابی نقادانه داده ها، تشخیص سوگیری ها و محدودیت های الگوریتمی، و بهره گیری هوشمندانه و اخلاقی از این ابزارها در جهت بهبود تصمیم گیری های آموزشی و شخصی سازی تدریس است. باقر امیری در تحلیل خود از نقش رسانه ها و آموزش به کودکان تأکید می کند که مواجهه تربیتی با ابزارهای نوین فناوری باید مبتنی بر هدایت آگاهانه و برنامه ریزی شده باشد تا از تبدیل شدن این ابزارها به عوامل آسیب زا پیشگیری شود (امیری، ۱۴۰۲). این اصل به وضوح نشان می دهد که هرگونه فناوری به حوزه آموزش، پیش از هر چیز مستلزم وجود کارگزارانی توانمند و با سواد فناورانه است که بتوانند مرز میان استفاده مفید و وابستگی آسیب رسان را تشخیص دهند. اهمیت آموزش سواد رسانه ای در قرن بیست و یکم که توسط بهاره نصیری و بهاره بخشی مورد ارزیابی قرار گرفته است، نشان دهنده این واقعیت است که بقا و اثربخشی در فضای اطلاعاتی امروز نیازمند پرورش تفکر انتقادی و توانایی تحلیل پیام های پیچیده است (نصیری و بخشی، ۱۳۹۱). تعمیم این نگرش به حوزه هوش مصنوعی ایجاب می کند معلمان بتوانند خروجی ابزارهای هوشمند را با نگاهی نقادانه بررسی کنند و به دانش آموزان نیز بیاموزند که هر داده یا پاسخ تولید شده توسط ماشین را بدون ارزیابی و تطبیق با منابع معتبر نپذیرند. رضایتمندی معلمان و دانش آموزان از برنامه های درسی سواد رسانه ای، همان طور که در پژوهش های مربوط به سنجش تفکر و سواد رسانه ای در اصفهان منعکس شده است، گویای این است که ذی نفعان آموزشی به ضرورت مجهز شدن به این ابزارهای شناختی واقفند و خواستار انسجام بیشتر آموزش های نوین در برنامه های درسی رسمی هستند (انجمن مطالعات برنامه درسی ایران، ۱۴۰۰). برای نیل به این هدف، طراحی برنامه های درسی جامع که در آن شایستگی های نوین به صورت ساختاریافته گنجانده شده باشند، یک ضرورت انکارناپذیر است. در همین راستا، طرح های تدوین شده برای برنامه درسی سواد



رسانه که توسط رضا رحیمی و همکارانش پیشنهاد گردیده، الگوهای مناسبی برای چگونگی تلفیق این مهارت‌ها در تاروپود آموزش‌های رسمی ارائه می‌دهد (رحیمی و همکاران، بی‌تا). معلمان زمانی می‌توانند کیفیت تدریس خود را ارتقا دهند که این آموزش‌ها در قالب دوره‌های تربیت معلم و برنامه‌های توسعه حرفه‌ای به شکلی نظام‌مند ارائه شوند. آموزش سواد رسانه‌ای همچنین تأثیر شگرفی بر مهارت‌های تفکر انتقادی دانش‌آموزان دارد؛ رقیه عزیزاده و جواد عبدی سلطان احمد در پژوهش‌های خود اثبات کرده‌اند که تجهیز دانش‌آموزان به سوادهای نوین، قدرت تجزیه و تحلیل ذهنی آن‌ها را ارتقا داده و آنان را از مصرف‌کنندگان غیرفعال اطلاعات به پرسشگرانی فعال تبدیل می‌کند (عزیزاده و عبدلی سلطان احمد، بی‌تا). هوش مصنوعی با شبیه‌سازی فرآیندهای شناختی و ارائه مسیرهای یادگیری شخصی‌سازی شده، ظرفیت بالایی برای تعمیق این مهارت‌ها دارد، مشروط بر اینکه معلم با سواد هوش مصنوعی خود بتواند سناریوهای آموزشی مناسبی را طراحی و اجرا نماید. در گزارش‌های تحلیلی مرتبط با لزوم توجه به سواد رسانه‌ای در نظام تعلیم و تربیت کشور اشاره شده است که بدون توجه جدی به این مقوله در سیاست‌گذاری‌های کلان آموزشی، شکاف میان واقعیت‌های بیرونی جامعه و آموزش‌های مدرسه‌ای عمیق‌تر خواهد شد (سایت بازار کار، ۱۴۰۳). از سوی دیگر، سید مهدی شریفی و سجاد کرمی نامیوندی با بررسی ابعاد آموزش سواد رسانه‌ای و اطلاعاتی در نظام تعلیم و تربیت رسمی و عمومی کشور معتقدند که توسعه شایستگی‌های دیجیتال معلمان باید به عنوان یکی از ارکان تحول سند تحول بنیادین مورد توجه قرار گیرد (شریفی و کرمی نامیوندی، ۱۳۹۷). بنابراین، تحلیل سواد هوش مصنوعی معلمان فراتر از یک مهارت فنی ساده، به عنوان یک ضرورت ساختاری جهت ارتقای کیفیت آموزش، تصمیم‌گیری بهینه و تحقق یادگیری پایدار و اثربخش در دانش‌آموزان اهمیت می‌یابد و نیازمند بررسی ابعاد گوناگون نظری و کاربردی آن در بافت مدارس امروز است.

بیان مسئله

در عصر حاضر و با توجه به تلاقی دو پدیده بسیار مهم «رسانه» و «فناوری» در عرصه فرهنگ جهانی، روش‌های یادگیری ما درباره دنیا نیز در این فرهنگ به چالش کشیده شده و آموزش، معنا و مفهوم دیگری پیدا کرده است. بدین معنا که دیگر صرف توانایی خواندن و نوشتن کلمات چاپی برای سواد داشتن کافی نیست بلکه افراد باید توانایی تحلیل انتقادی تصاویر قدرتمند فرهنگ چند رسانه‌ای را داشته باشند و با اشکال و شیوه‌های رسانه‌ای مختلف عقاید خود را بیان کنند. در عصر ارتباطات و اطلاعات و فور برنامه‌ها، پیام‌ها و هجوم



آن ها به سمت مخاطبان ایجاب می کند که آنها به دانشی برای انتخاب پیام ها و برنامه های مناسب رسانه ای مهجز باشد تا از حالت انفعال و مصرف کننده خارج شود و بر اساس نیاز های خودشان دست به انتخاب بزنند . بنابراین ضرورت شناخت منتقدانه از رسانه ها در حوزه آموزش و سواد رسانه ای به مثابه تفکر منتقدانه برای درک تولیدات رسانه های جمعی بسیار ضروری است. از ضرورت های عصر جهانی شدن، نیاز به آموزش و پرورش در قرن بیست و یکم و تعلیم و تربیتی است که فراگیران را برای رویاروی با چالش های زندگی در حال تغییر و غیر قابل پیش بینی آماده سازد، یکی از مهم ترین چالش های عصر جهانی شدن در سطح کلان ، نفوذ پذیری مرزها و انتشار بی حد و مرز پیام های رسانه ای در جوامع است و در سطح خرد نیز دیگر دیوارهای منازل چارچوب وب انحصاری و شخصی شهروندان محسوب نمی شوند بلکه فضایی برای نفوذ امواج رسانه ای هستند. در شرایط فوق، چگونه می توان زمینه های شناختی و انگیزشی لازم را در شهروندان ایجاد کرد تا به صورت خود انگیزخته نسبت به محتوا و عملکرد رسانه ها واکنش نشان دهند و در تقابل خود با رسانه ها و محتوای آن از راه تحلیل و تعمق، معنا بخشند (مایرز، ۱۳۸۶) رشته آموزش سواد رسانه ای در چهل سال اخیر در دنیا پدید آمده و اهمیت آموزش و مفهوم گسترده "سواد"، در این سال ها گسترش یافته است و کانادا به عنوان اولین کشور است که آموزش سواد رسانه ای به صورت رسمی از سوی نظام آموزش و پرورش آن کشور پذیرفته شده است. در حال حاضر سواد رسانه ای به عنوان یک ماده درسی در نظام آموزشی بسیاری از کشورها از جمله: بریتانیا، استرالیا، آفریقای جنوبی ، کانادا، آمریکا و ژاپن تدریس می شود و هم زمان در کشورهای نیوزیلند، ایتالیا، یونان، اتریش، سوئد، دانمارک و سوئیس در حال توسعه است. (کرس ۲۰۰۳،

رسانه ها به سبب فناوری های نوین ارتباطی ، باعث شده اند به ذهن دانش آموزان به عنوان انبار اطلاعات و یافته ها نگاه نشود . معلم هم یک انتقال دهنده اطلاعات به هدایتگر تبدیل شده است. بیانیه یونسکو در زمینه آموزش و پرورش به فهم انتقادی از محیط رسانه ای و سواد رسانه که ما را فرا گرفته است در جهت افزایش اصول شهروندی و مشارکت اجتماعی تاکید داشته است. (تقی زاده و همکاران ۱۳۹۳) در ایران هنوز آموزش سواد رسانه و نقش آن در تعلیم و تربیت به مدارس راه نیفتاده است . مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی ، در گزارشی با انتقاد از وضعیت آموزش سواد رسانه ای در کشور ، ورود سواد رسانه ای به نظام آموزش رسمی و تهیه و تنظیم کتاب های درسی مناسب را به عنوان راهکار های گسترش سواد رسانه ای معرفی کرده است (قاسمی ۱۳۸۵) در اسناد مربوط به برنامه درسی هم ، از سواد رسانه ای نام برده شده و زمینه سازی برای مدیریت بهینه محیط رسانه ای و کمک به ترویج سواد رسانه ای تاکید



شده است. به علاوه این سند به انتطابق برنامه درسی با علایق و نیاز های دانش آموزان، در چارچوب ساختار برنامه درسی در سه بخش الزامی، اختیاری، انتخابی تاکید دارد. (سند تحول راهبردی نظام تربیت رسمی و عمومی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۸۶) برنامه درسی آموزش سواد رسانه ای چه به صورت اجباری و چه در بخش تجویزی و اختیاری و نیز پاسخی به نیاز های گوناگون و امکان یادگیری همشگی با توجه به نقش رسانه ها است و تحلیل و ارزیابی محتوا رسانه ای می تواند در همین راستا، ارزیابی شود. با توجه به تحقیقات ما، متوجه شدیم در میان انواع مخاطبین رسانه ها، کودکان و نوجوانان بیشتر از همه تحت تاثیر رسانه قرار گرفته اند. جهان واقعی و روزمره با جهان رسانه ای برای آنان فرقی نمی کند و از این جهت با دیگر مخاطبان رسانه ها متفاوت اند؛ همچنین نباید فراموش کرد، رسانه در تعلیم و تربیت و جامع پذیر کرد کودک و نوجوان تاثیر خیلی زیادی دارد. نباید فراموش کرد نوجوان و کودک امروز نهالی است که هر چقدر در نگه داری و مواظبت از آنها دقیق تر و جدی تر باشیم، درختان تنومند تر و مفید تری در آینده خواهند بود. امروزه با نوعی از افراد با سواد جدیدی مواجه ایم دانش آن ها هم براساس تاثیر فناوری های جدید تغییر کرده و هم نحو آموزش و یادگیری را به نحو عالی آموخته اند (بشیر و جعفریان، ۱۳۹۶) جهان در عصر انفجار اطلاعات و پیدایش شبکه های نوین جهانی و اطلاعاتی و ارتباطی وارد جامعه جدیدی شده است، که محققان آن را جامعه اطلاعاتی نامیده اند (بهرامپور، ۱۳۸۳) گذرار از جامعه صنعتی به جامعه اطلاعاتی سبب شده که شکل اطلاعات و سطح سواد از حالت قبلی خود تغییر کند (احمدیان، ۱۳۸۶)

ضرورت و اهمیت تحقیق

بررسی موضوع «نقش سواد هوش مصنوعی معلمان در ارتقای کیفیت تدریس، تصمیم گیری آموزشی و توسعه یادگیری اثربخش دانش آموز» از چند بُعد اساسی اهمیت دارد و نمی توان آن را صرفاً یک موضوع فناورانه یا مهارتی دانست. این موضوع در واقع به قلب فرایند آموزش و تربیت مربوط می شود، زیرا معلم در مدرسه تنها انتقال دهنده محتوا نیست، بلکه هدایت گر رشد شناختی، تربیتی و اجتماعی دانش آموزان است. به همین دلیل، هر تغییری در سطح سواد حرفه ای معلم، به ویژه در حوزه هوش مصنوعی، می تواند بر کیفیت یادگیری و تجربه زیسته دانش آموزان اثر مستقیم بگذارد. از این منظر، بررسی این موضوع ضرورتی چندبعدی دارد و باید هم از جنبه شناختی، هم تربیتی و هم عاطفی-اجتماعی مورد توجه قرار گیرد.

۱. از بُعد شناختی، سواد هوش مصنوعی معلمان اهمیت ویژه‌ای دارد، زیرا امروزه بخش مهمی از فرایندهای یاددهی-یادگیری بر پایه تحلیل داده، ارزیابی عملکرد و شخصی‌سازی آموزش شکل می‌گیرد. معلمی که با منطق کارکرد ابزارهای هوشمند آشنا باشد، بهتر می‌تواند نیازهای شناختی دانش‌آموزان را تشخیص دهد، سطح یادگیری آن‌ها را بسنجد و راهبردهای متناسب‌تری برای آموزش انتخاب کند. در چنین شرایطی، تصمیم‌گیری آموزشی از حالت حدس و تجربه‌های پراکنده خارج شده و به تصمیم‌گیری مبتنی بر شواهد تبدیل می‌شود. این مسئله به‌ویژه برای شناسایی شکاف‌های یادگیری، تنظیم سرعت آموزش، انتخاب تمرین مناسب و ارائه بازخورد دقیق اهمیت دارد. بنابراین، بررسی این موضوع از بُعد شناختی ضروری است، زیرا سواد هوش مصنوعی می‌تواند کیفیت پردازش اطلاعات، تحلیل آموزشی و عمق یادگیری را به‌طور مستقیم ارتقا دهد.
۲. از بُعد تربیتی، این موضوع اهمیت دوچندان پیدا می‌کند، چون هر فناوری آموزشی در صورتی ارزشمند است که در خدمت اهداف تربیتی قرار گیرد. هوش مصنوعی اگر بدون هدایت معلم وارد کلاس شود، ممکن است صرفاً به ابزار سرعت‌دهنده یا جذاب‌کننده آموزش تبدیل شود، اما اگر معلم دارای سواد لازم باشد، همین فناوری می‌تواند به ابزاری برای تربیت تفکر انتقادی، خودتنظیمی، مسئولیت‌پذیری و یادگیری هدفمند تبدیل گردد. معلم آگاه می‌تواند از هوش مصنوعی برای طراحی فعالیت‌های معنادار، تقویت یادگیری عمیق و ایجاد فرصت‌های برابرتر آموزشی استفاده کند. از این رو، بررسی این موضوع از بُعد تربیتی ضروری است، زیرا نشان می‌دهد که هوش مصنوعی نه جایگزین تربیت، بلکه یاری‌دهنده آن است و تنها در صورتی به این هدف کمک می‌کند که معلم از سواد حرفه‌ای کافی برخوردار باشد.
۳. از بُعد عاطفی و اجتماعی نیز این موضوع بسیار مهم است. یادگیری تنها یک فرایند ذهنی نیست، بلکه با احساسات، انگیزه، تعاملات انسانی و روابط اجتماعی پیوند عمیق دارد. معلمی که سواد هوش مصنوعی دارد، بهتر می‌تواند از فناوری برای ایجاد تجربه‌های یادگیری مثبت، کاهش اضطراب تحصیلی، افزایش انگیزش و تقویت احساس موفقیت در دانش‌آموزان استفاده کند. در عین حال، چنین معلمی می‌داند که فناوری نباید جای رابطه انسانی را بگیرد، بلکه باید در خدمت تقویت آن باشد. از منظر اجتماعی نیز سواد هوش مصنوعی معلمان می‌تواند به کاهش شکاف دیجیتال، افزایش عدالت آموزشی و آماده‌سازی دانش‌آموزان برای زیستن در جامعه‌ای مبتنی بر داده و فناوری کمک کند. دانش‌آموزان امروز در جهانی زندگی می‌کنند که

تعامل با سیستم های هوشمند بخشی از زندگی روزمره آنهاست؛ بنابراین معلم باید بتواند آنها را از نظر عاطفی و اجتماعی برای مواجهه مسئولانه، انتقادی و اخلاقی با این جهان آماده کند.

در مجموع، اهمیت و ضرورت بررسی این موضوع در آن است که سواد هوش مصنوعی معلمان فقط یک مهارت فنی نیست، بلکه یکی از پایه های تحول آموزشی در عصر جدید محسوب می شود. این سواد می تواند کیفیت تدریس را ارتقا دهد، تصمیم گیری آموزشی را دقیق تر کند، یادگیری دانش آموزان را اثربخش تر سازد و هم زمان به رشد شناختی، تربیتی و عاطفی-اجتماعی آنان کمک کند. به همین دلیل، مطالعه این موضوع برای برنامه ریزان آموزشی، پژوهشگران تربیتی و سیاست گذاران نظام تعلیم و تربیت از ضرورت بالایی برخوردار است.

روش شناسی

این پژوهش از منظر هدف، توسعه ای-کاربردی و از منظر روش، یک مطالعه کیفی از نوع توصیفی-تحلیلی است. داده های مورد نیاز از طریق مرور نظام مند اسناد و متون معتبر گردآوری و تحلیل شده اند.

- قلمرو پژوهش: کلیه مقالات علمی-پژوهشی، کتب مرجع دانشگاهی و پایان نامه های دکتری و ارشد مرتبط با موضوعات رویکرد «نقش سواد هوش مصنوعی معلمان در ارتقای کیفیت تدریس، تصمیم گیری آموزشی و توسعه یادگیری اثربخش دانش آموز» است.
- پایگاه های اطلاعاتی: برای جستجوی منابع از پایگاه های معتبر داخلی شامل پایگاه اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی (SID)، مگیران (Magiran)، نورمگز (Noormags) و پرتال جامع علوم انسانی استفاده شد.
- بازه زمانی: منابع منتشر شده بین سال های ۱۳۹۱ تا ۱۴۰۲ شمسی ملاک انتخاب قرار گرفتند.
- کلیدواژه های جستجو: سواد هوش مصنوعی، معلمان، کیفیت تدریس، تصمیم گیری آموزشی، یادگیری اثربخش، آموزش هوشمند، شخصی سازی یادگیری



- پس از غربالگری اولیه ۱۰ منبع کلیدی و اصلی که به صورت عمیق به ابعاد مختلف موضوع پرداخته بودند، انتخاب و محتوای آن‌ها با استفاده از تکنیک تحلیل مضمون، طبقه‌بندی و ترکیب گردید.

پیشینه پژوهش

ما سعی کردیم با مروری بر مطالعه پیشین این موضوع نشان دهیم، که در راستای اثربخشی سواد رسانه در تعلیم و تربیت و بهره‌برداری از آن و ایجاد تفکری منتقدانه در دانش آموز تاکنون پژوهشی رسمی و معتبر در ایران صورت نگرفته و کارهای انجام شده در این زمینه بیشتر به توصیف نظری و ارتباط بین متغیرهای تحقیق پرداخت و به صورت تجربی در مدارس مورد آزمون قرار نگرفته است. در این قسمت مقاله ما سعی کردیم برخی تحقیقات که مرتبط با موضوع اصلی مقاله هستند اشاره بکنیم: حاجی حیدری و یزدیان ۱۳۹۰ در تحقیق خود با تمرکز بر اینکه نظریه سواد رسانه انتقادی که به طور خاص جنبه انتقادی سواد رسانه‌ای می‌پردازد گسترش مهارت سواد رسانه‌ای برای حفاظت از شهروندان در برابر اثرات مخرب پیام‌های رسانه‌ای یکی از مهم‌ترین نهادهای سیاست گذاری در عرصه آموزش هر کشور است. بصیریان ۱۳۸۵ در پژوهش خود به این نتیجه رسید که سواد رسانه‌ای می‌تواند با عنوان ابزار قدرتمند در گسترش تفکر انتقادی دانش آموز باشد میری و همکاران ۲۰۰۷ در پژوهشی در بررسی رابطه بین مهارت تفکر انتقادی با سواد اینترنتی و اطلاعاتی دانشجویان پرداخته که نتایج این پژوهش نشان می‌دهد، بین مهارت تفکر انتقادی و سواد اطلاعاتی اینترنتی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. رئیسی نافچی و همکاران ۱۳۹۹ در تحقیقی ابعاد و مؤلفه‌های سواد رسانه را با توجه به رویکرد انتقادی در ۶ طبقه شامل: توسعه سلامت رسانه‌ای، شرایط علی، شرایط زمینه‌ای، راهبردها، عوامل مداخله‌گر و پیامدها شناسایی کرد. نتایج فرقانی و مرادی ۱۳۹۷ نشان می‌داد آموزش سواد رسانه‌ای در میزان استفاده از اینترنت افزایش توانایی تحلیل و ارزیابی و توانایی تولید پیام‌های رسانه توانایی برقراری ارتباط با تولید کنندگان پیام رسانی و افزایش تفکر انتقادی در دانش‌آموزان تاثیر دارد. گرین و همکاران ۲۰۲۰ در پژوهشی به بررسی رابطه بین مهارت تفکر انتقادی و سواد رسانه‌ای دانش‌آموزان پرداخت. نتایج پژوهش امین فرد و قربانی (۱۳۹۷) در بررسی راهبردهای ارتقاء سواد رسانه‌ای دیجیتال دانش‌آموزان ابتدایی برای وزارت آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران مهمترین راهبرد وزارت آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران برای ارتقاء سواد رسانه‌ای دیجیتال تنظیم و تدوین درس آموزش

سواد فرهنگی - رسانه ای دیجیتال برای دانش آموزان در مقطع ابتدایی متناسب با اقتضائات کودکی آنها و نوع استفاده این دانش آموزان از رسانه های جمعی، رسانه های دیجیتال و بازی های رایانه ای در بستر فضای مجازی و تلفن همراه هوشمند است.

ادبی فیروزجاه و همکاران (۱۳۹۷) در پژوهشی به بررسی تأثیر سواد دیجیتالی بر افزایش سطح علمی دانشجویان تربیت بدنی مطالعه موردی: دانشگاه غیرانتفاعی شمال آمل پرداخته و نشان دادند سواد دیجیتالی و تمامی مؤلفه های آن در افزایش سطح علمی دانشجویان تأثیرگذار است و می تواند نگرشی مثبت برای دانشجویان در جهت یادگیری ایجاد کند؛ بنابراین می بایستی این موضوع مورد توجه مسئولین دانشگاه ها قرار گیرد و با افزایش فناوری های نوین رویکرد علمی جدید را برای دانشجویان ایجاد نمایند. کاظم پوریان و عبدلی (۱۳۹۵) در تحقیق خود به بررسی سواد دیجیتال: راهکاری برای پوشش شکاف دیجیتال و پرورش شهروند دیجیتال پرداخته و ضمن تشریح مفاهیم سواد دیجیتال و شکاف دیجیتال، علل ایجاد شکاف دیجیتال را مورد بررسی قرار داده و درنهایت، راهکارهایی، ازجمله تنظیم برنامه های آموزشی، فرهنگ سازی و استفاده از تجارب کشورهای پیشگام برای برطرف سازی این شکاف ارائه می شود.

یافته ها

آموزش سواد رسانه ای در آموزش سواد رسانه ای باب تعلیم و فراگیری در باب رسانه ها و نباید با آموزش و فراگیری از طریق رسانه ها یا با رسانه ها خلط شود آموزش زبان رسانه ای را نباید با فناوری های آموزشی یا رسانه های آموزشی اشتباه گرفت آموزش سواد رسانه ای درصدد است تا توانایی گسترده ای را به تنها در رابطه با متون چاپی بلکه در ارتباط با سایر نظام های نمادی رشد دهد. آموزش سواد رسانه ای به عنوان فرایند تعلیم آموزش و فراگیری درباره رسانه ها است سازمان جهانی یونسکو درباره آموزش سواد رسانه ای این گونه بیان می کند، که آموزش سواد رسانه ای با همه رسانه های ارتباطی سر و کار دارد و تمام متون چاپی و گرافیکی صدا و تصاویر متحرک که به وسیله هر نوع فناوری ارائه می شود، را در بر می گیرد. این آموزش توانایی به دست آوردن درک درستی از رسانه های ارتباطی مورد استفاده در جامعه و چگونگی برخورد با آنان و نیز مهارت های استفاده از رسانه ها برای ارتباط با دیگران را ایجاد می کند. (عباسی

چارچوب مفهومی سواد هوش مصنوعی معلمان و پیوند آن با کیفیت تدریس

تحلیل ادبیات حوزه سوادهای نوین نشان می‌دهد که کیفیت تدریس معلمان در عصر دیجیتال، به میزان درک، تفسیر و به کارگیری انتقادی ابزارهای نوین اطلاعاتی بستگی دارد. اگرچه پژوهش‌های اولیه بر مفاهیمی چون سواد رسانه‌ای متمرکز بوده‌اند، اما منطق حاکم بر آن‌ها راهگشای تحلیل سواد هوش مصنوعی معلمان است. نصیری و بخشی در بررسی اهمیت آموزش سواد رسانه‌ای در قرن بیست و یکم مطرح می‌کنند که توانمندی در تحلیل پیام‌ها و مواجهه انتقادی با منابع اطلاعاتی، پیش‌شرط پویایی حرفه‌ای معلمان است (نصیری و بخشی، ۱۳۹۱). این مفهوم در حوزه هوش مصنوعی به معنای توانایی معلم در ارزیابی الگوریتم‌های آموزشی، تشخیص سوگیری داده‌های تولیدشده توسط ابزارهای هوشمند و توانایی ترکیب این ابزارها با طرح درس‌های کلاسی است. معلمان برای ارتقای کیفیت تدریس خود نیازمند درک این مسئله هستند که هوش مصنوعی چگونه مفاهیم آموزشی را بازنمایی می‌کند. شریفی و کرمی نامیوندی در تبیین ابعاد سواد اطلاعاتی در نظام تعلیم و تربیت رسمی کشور معتقدند که ادغام موفق فناوری در تدریس مستلزم وجود مهارت‌های اطلاعاتی سطح بالا در معلمان است تا بتوانند از مصرف‌کننده صرف ابزار به طراح خلاق آموزش ارتقا یابند (شریفی و کرمی نامیوندی، ۱۳۹۷). سواد هوش مصنوعی معلمان نقشی کلیدی در بهینه‌سازی روش‌های تدریس سنتی ایفا می‌کند؛ زیرا به معلم اجازه می‌دهد با شناخت قابلیت‌های شخصی‌سازی، تدریس خود را با نیازهای شناختی هر دانش‌آموز تطبیق دهد. علیزاده و عبدلی سلطان احمد نیز در بررسی مهارت‌های تفکر انتقادی دانش‌آموزان نشان می‌دهند که کیفیت تدریس معلم زمانی افزایش می‌یابد که وی بتواند از رسانه‌ها و فناوری‌ها به عنوان بستری برای تقویت تحلیل نقادانه دانش‌آموزان استفاده کند (علیزاده و عبدلی سلطان احمد، بی‌تا). از این رو، معلم دارای سواد هوش مصنوعی می‌تواند تکالیف و فعالیت‌های درسی را به گونه‌ای طراحی کند که خروجی سامانه‌های هوشمند توسط دانش‌آموزان به چالش کشیده شود و به این ترتیب، تدریس از شکل سنتی خود خارج شده و به یک تجربه تعاملی و عمیق تبدیل گردد. از سوی دیگر، هرگونه تغییر در کیفیت تدریس باید در قالب برنامه‌ریزی درسی منسجم پیگیری شود. رحیمی و همکاران در پژوهش خود پیرامون طراحی برنامه درسی سواد رسانه‌ای بر ضرورت ساختاریافته بودن این آموزش‌ها در تربیت معلمان تأکید دارند تا شایستگی‌های نوین آموزشی به صورت تصادفی شکل نگیرند بلکه برآمده از یک فرآیند آموزشی هدفمند باشند (رحیمی و همکاران، بی‌تا). با اتکا به این رویکرد، سواد هوش مصنوعی معلمان به عنوان متغیری مداخله‌گر عمل می‌کند که می‌تواند اثربخشی برنامه‌های درسی مصوب را افزایش داده و تدریس روزآمد را در بستر کلاس‌های درس محقق سازد.

سواد هوش مصنوعی معلمان و تصمیم گیری آموزشی داده محور

تصمیم گیری آموزشی فرآیندی پیچیده است که انتخاب راهبردها، پایش پیشرفت تحصیلی و شناسایی نابرابری های یادگیری را در بر می گیرد. در ادبیات پژوهش، تصمیم گیری کارآمد منوط به شناخت دقیق نیازهای دانش آموزان و ویژگی های بستر آموزشی معرفی شده است. تقی زاده و کیا در نیازسنجی برنامه های آموزشی مدارس نشان می دهند که تصمیمات بدون پشتوانه اطلاعاتی و بدون ارزیابی نیازهای واقعی، کارایی لازم را در محیط های مدرسه نخواهند داشت (تقی زاده و کیا، ۱۳۹۳). سواد هوش مصنوعی معلمان این امکان را فراهم می آورد که تصمیم گیری های آموزشی بر اساس تحلیل داده های واقعی رفتاری و عملکردی دانش آموزان اتخاذ شود. سیستم های هوش مصنوعی با پردازش داده های یادگیری، اطلاعات ارزشمندی درباره سرعت یادگیری، نقاط ضعف شناختی و الگوهای رفتاری دانش آموزان تولید می کنند؛ با این حال، استفاده از این اطلاعات منوط به سواد تفسیری معلم است. رضازاده و همکاران در پژوهش خود پیرامون فرایندها و بروندهای برنامه های درسی تصریح می کنند که سنجش و اعتبارسنجی داده های آموزشی لازمه حرکت به سمت خروجی های مطلوب تربیتی است (رضازاده و همکاران، بی تا). معلمی که دارای سواد هوش مصنوعی است، می تواند گزارش های تحلیلی پلتفرم های آموزشی را تفسیر کرده و تصمیمات مقتضی مانند بازآموزی بخش های خاصی از درس، تغییر در سرعت تدریس یا تخصیص منابع حمایتی بیشتر به دانش آموزان ضعیف را اتخاذ کند. این تصمیم گیری داده محور مانع از قضاوت های سلیقه ای و شتاب زده در کلاس درس می شود. در این راستا، گزارش های مربوط به لزوم توجه به سواد های نوین در نظام تعلیم و تربیت کشور بر این واقعیت تأکید دارند که تصمیم گیری در نظام های آموزشی مدرن باید با ابزارهای تحلیل اطلاعات همگام شود تا بتوان به بهره وری آموزشی دست یافت (سایت بازار کار، ۱۴۰۳). معلمان با استفاده از این شایستگی می توانند تصمیمات بهینه تری درباره نحوه گروه بندی دانش آموزان، انتخاب مواد درسی متناسب و طراحی سنجش های تکوینی بگیرند. از طرف دیگر، نگرش معلمان نسبت به کارآمدی این فناوری ها نقش مهمی در کیفیت تصمیم گیری دارد؛ پژوهش های مربوط به دیدگاه دبیران پیرامون سواد رسانه ای و اطلاعاتی در اصفهان نشان می دهد که هرچه میزان سواد اطلاعاتی معلمان بالاتر باشد، تمایل آن ها به استفاده از روش های نوین تصمیم گیری و ارزیابی در کلاس افزایش می یابد و مقاومت در برابر تغییرات ساختاری کاهش پیدا می کند (انجمن مطالعات برنامه درسی ایران، ۱۴۰۰). بنابراین، سواد هوش مصنوعی به عنوان بستری عمل می کند که تصمیم گیری آموزشی را از یک فرآیند واکنشی و سنتی به فرآیندی کنش گرانه و مبتنی بر شواهد تبدیل می سازد.

نقش سواد هوش مصنوعی معلمان در توسعه یادگیری اثربخش دانش آموزان

هدف نهایی هرگونه مداخله آموزشی، تحقق یادگیری اثربخش است که با عمق درک مفاهیم، پایداری یادگیری و توانایی کاربرد دانش مشخص می‌شود. نقش معلمان در هدایت این فرآیند با استفاده از ابزارهای نوین، محوری‌ترین بحث در ادبیات تربیتی است. امیری در تبیین نقش رسانه‌ها و آموزش به کودکان یادآور می‌شود که هرگونه مواجهه با ابزارهای نوین در صورتی به یادگیری واقعی منجر می‌شود که با هدایت فعال و آگاهانه معلم همراه باشد، در غیر این صورت، این ابزارها ممکن است یادگیرنده را به سمت انفعال شناختی سوق دهند (امیری، ۱۴۰۲). معلمان دارای سواد هوش مصنوعی می‌توانند با استفاده از سیستم‌های یادگیری تطبیقی، مسیرهای یادگیری منحصر به فردی برای دانش آموزان طراحی کنند که با سرعت و سبک یادگیری ویژه آن‌ها هماهنگ باشد؛ امری که یادگیری اثربخش را تضمین می‌کند. در آموزش دوران ابتدایی که پایه‌های شناختی شکل می‌گیرد، حساسیت این امر بیشتر است. سلیمانی و همکارانش در تحلیل آموزش سواد رسانه در دوران ابتدایی نشان می‌دهند که مواجهه زودهنگام کودکان با فناوری بدون راهبری هوشمندانه معلم می‌تواند منجر به کاهش تمرکز عمیق و تضعیف مهارت‌های خودتنظیمی شود (سلیمانی و همکاران، ۱۴۰۲). بر این اساس، سواد هوش مصنوعی معلم به او اجازه می‌دهد تا ابزارهای هوشمند را به عنوان مکمل‌های یادگیری و نه جایگزین تفکر مستقل به کار گیرد تا دانش آموزان بتوانند کنترل بیشتری بر فرایند یادگیری خود داشته باشند و مهارت‌های خودآموزی را تمرین کنند. یادگیری اثربخش همچنین به پویایی تعاملات کلاسی وابسته است. معلمان با مجهز شدن به سواد هوش مصنوعی می‌توانند تکالیفی طراحی کنند که حل آن‌ها نیازمند جست‌وجوی هوشمند، ارزیابی داده‌ها و همکاری میان دانش آموزان باشد. بدین ترتیب، شایستگی فناوری معلم به طور غیرمستقیم توانایی دانش آموزان را در حل مسائل واقعی و تعامل خلاق با سیستم‌های هوشمند ارتقا می‌دهد که این خود از شاخص‌های اصلی یادگیری اثربخش در قرن جدید است. در نهایت، یافته‌های پژوهش‌های مرتبط با برنامه درسی و سنجش سواد اطلاعاتی بر این امر صحنه می‌گذارند که یادگیری زمانی اثربخش و پایدار خواهد بود که دانش آموزان در یک محیط آموزشی غنی از اطلاعات و تحت هدایت معلمانی توانمند، تفکر نقادانه و نحوه یادگیری مستقل را فرا بگیرند (رحیمی و همکاران، بی‌تا؛ شریفی و کرمی نامیوندی، ۱۳۹۷). بنابراین، سواد هوش مصنوعی معلمان با ایجاد تغییر در روش‌های تدریس و تصمیم‌گیری، به عنوان متغیر پیش‌بین کلیدی در ارتقای شاخص‌های یادگیری اثربخش دانش آموزان در نظام تعلیم و تربیت عمل می‌کند.

اهمیت تمرکز بر آغاز تربیت رسانه‌ای دانش‌آموزان از دوران کودکی و قبل از ورود به مدرسه

حسین غفاری، معلم و پژوهشگر تربیت و رسانه در خصوص اهمیت تربیت رسانه‌ای برای کودکان و نوجوانان اظهار می‌کند: امروزه در دنیای رسانه‌ها زندگی می‌کنیم، به گونه‌ای که این فناوری‌ها بخش جدایی‌ناپذیر زندگی انسان است، همچنین فرزندان نسل جدید بسیار بیشتر از بزرگسالان با رسانه‌ها آمیخته هستند، به همین سبب رشد و تربیت آن‌ها در زمینه استفاده از این فناوری‌ها مورد اهمیت قرار می‌گیرد. وی می‌افزاید: کودکان و نوجوانان در زمینه‌های مختلفی از جمله مهارت‌های زندگی، علمی، فکری، جسمی و جنبه‌های دیگر آموزش می‌بینند و در این زمینه‌ها رشد می‌کنند، یکی از این زمینه‌های تربیتی به تربیت رسانه‌ای اختصاص دارد که هدف آن رشد افراد در زمینه استفاده از رسانه‌ها است. این معلم و پژوهشگر تربیت و رسانه با بیان اینکه آموزش سواد رسانه‌ای در دبیرستان‌ها به گونه‌ای که در حال حاضر وجود دارد، ناکارآمد است یا اثربخشی اندکی دارد، ادامه می‌دهد: دانش‌آموزان در خانه و در بین اعضای خانواده از رسانه‌ها استفاده می‌کنند، بنابراین در تربیت رسانه‌ای و آموزش سواد رسانه‌ای باید قبل از هر چیزی به بیان اهمیت نقش خانواده در تربیت رسانه‌ای فرزندان و آموزش آن‌ها بپردازیم. غفاری با اشاره به چالش‌ها و کمبودهای آموزش سواد رسانه‌ای در مدارس عنوان می‌کند: در کتاب آموزش سواد رسانه‌ای مدارس به جایگاه و تأثیر خانواده کم‌توجهی شده و تنها بر رشد فرد متمرکز است، همچنین در مدارس گذراندن این واحد درسی اختیاری است و در بعضی مدارس به تدریس و آموزش آن بی‌توجهی می‌شود یا دروس دیگری در زنگ آموزش سواد رسانه‌ای مورد تدریس قرار می‌گیرد، علاوه بر آن آموزش‌های تخصصی لازم در این حوزه تربیتی آن‌طور که باید به معلمان ارائه نمی‌شود و نیاز است با تربیت نیروی متخصص برای تربیت دانش‌آموزان در عرصه رسانه، محتوای جدید متناسب با شرایط روز جامعه برای تدریس در مدارس تهیه شود. وی با بیان راهکارهایی برای تربیت رسانه‌ای دانش‌آموزان اضافه می‌کند: باید با در نظر گرفتن شرایط رشد و امکانات رسانه‌ها و فضای مجازی در جامعه کنونی، آموزش‌های لازم و متناسب با نیازهای دانش‌آموزان به آن‌ها و خانواده‌هایشان ارائه شود و باید بر شروع تربیت رسانه‌ای دانش‌آموزان از دوران کودکی و قبل از ورود به مدرسه تمرکز کنیم.

ارتباط کودکان با رسانه‌ها مثل یک سفر هیجان‌انگیز است که پر از ماجراجویی‌ها و چالش‌های بزرگ است؛ اما درست مثل هر سفری، این مسیر هم با خطراتی همراه است که نیاز به دقت و راهنمایی دارد. یکی از بزرگ‌ترین چالش‌ها، محتوای نامناسب است. کودکان با دنیایی از اطلاعات روبه‌رو می‌شوند که همیشه مناسب سن و درک آن‌ها نیست. از تبلیغات فریبنده گرفته تا ویدئوهای خشونت‌آمیز یا محتوای نامناسب، رسانه‌ها می‌توانند به راحتی پیام‌هایی را به آن‌ها منتقل کنند که ذهن کودک را آشفته کند یا بر رفتارهای آن‌ها تأثیر

منفی بگذارد. چالش دیگر، زمان بیش از حد استفاده از رسانه ها است. بازی های ویدئویی و شبکه های اجتماعی طوری طراحی شده اند که کودکان را به خود جذب می کنند، طوری که گاهی اوقات ساعت ها بی وقفه مشغول می شوند. این اعتیاد به رسانه ها می تواند بر روی خواب، فعالیت های فیزیکی و حتی تعاملات اجتماعی آن ها تأثیر منفی بگذارد. تشخیص واقعیت از خیال نیز برای کودکان یک چالش بزرگ است. آن ها به راحتی می توانند با داستان های خیالی، قهرمان های رسانه ای و تصاویر جذاب گمراه شوند و دنیای رسانه ای را با واقعیت اشتباه بگیرند. این مسئله باعث می شود تا مرزهای بین دنیای واقعی و مجازی برای آن ها محو شود. همچنین فشار اجتماعی از طریق رسانه ها یکی دیگر از چالش های مهم است. کودکان در شبکه های اجتماعی با دوستان و افراد مشهور روبه رو می شوند که ممکن است سبک زندگی یا رفتارهایی را نمایش دهند که کودک تلاش کند آن ها را تقلید کند، حتی اگر برایش مناسب نباشد. این فشار می تواند باعث کاهش اعتماد به نفس یا حتی ایجاد اضطراب شود.

دیجیتال و تکنولوژی آموزش

تکنولوژی و دیجیتالی به معنی هر گونه مهارت عملی است که در آن از نتایج و یافته های عملی استفاده اساسی شود. ابزار در تکنولوژی عبارتند از: آموزشی و بصری سمعی سایل و، طراحی آزمایشگاهی وسایل و آموزشی افزارهای نرم. کامل ترین تعریف می گوید: تکنولوژی آموزشی عبارت است از روش سیستماتیک طراحی، اجرا، ارزشیابی کل فرآیند یادگیری و تدریس بر حسب اهداف معین و بر اساس تحقیقات در زمینه ی یادگیری، و ارتباطات انسانی و به کارگیری منابع انسانی و غیر انسانی به منظور فراهم آوردن یادگیری و آموزش موثرتر، پایدارتر و عمیق تر. (احدیان، ۱۳۸۶) تکنولوژی آموزشی دراصل از واژه های خاص «تکنو» به معنی برخورد سیستماتیک با پدیده های علمی و «لوژی» به معنی شناخت و آموزش به معنی فعالیت های هدفمندی است که مربیان یا معلمان انجام می دهند. با این تعریف تکنولوژی آموزشی فقط تجهیزات آموزشی نیست اگرچه تجهیزات و ابزار می تواند در خدمت تکنولوژی آموزشی قرار گیرد تکنولوژی آموزشی به تعبیری فن به کارگیری ابزار برای تسهیل فرآیند یاددهی - یادگیری می باشد. (فردانش، ۱۳۸۷) چالش های توسعه سیستم های تدریس هوشمند و سیستم های یادگیری تطبیقی نه تنها مهارت های برنامه نویسی کامپیوتر، بلکه شیوه های شبیه سازی هوش متخصصان است. شبیه سازی هوش متخصصان، شامل دانش و تجربه مربیان برای قضاوت و تصمیم گیری بر اساس بهترین شواهد موجود برای کمک به حل مشکلات هر زبان آموز و کمک به آنها در یادگیری بهتر است. این چالش ها به این دلیل رخ می دهد که هوش مصنوعی در آموزش و پرورش، یک حوزه بسیار وابسته به فناوری و بین رشته ای است. بدون آگاهی از نقش هوش

مصنوعی در آموزش و پرورش و عملکرد فناوری هوش مصنوعی، پژوهشگران ممکن است برنامه ها و فعالیت های هوش مصنوعی در آموزش و پرورش را به طور مؤثر پیاده سازی نکنند. عنوان کاربرد تکنولوژی در تعلیم و تربیت و آموزش شامل هرگونه وسایل ممکن و اطلاعاتی می شود که میتواند در تعلیم و تربیت مورد استفاده قرار گیرد. این موضوع با وسایل و لوازم مورد استفاده در آموزش از قبیل تلویزیون، آزمایشگاه های زبان و انواع رسانه های طراحی شده سر و کار دارد. به عبارت دیگر کاربرد تکنولوژی در تعلیم و تربیت اساساً همان مفهوم عامیانه تکنولوژی آموزشی یعنی استفاده از وسایل سمعی و بصری، مانیتورها و صفحه کلیدهای رایانه است. حوزه ی عمومی وسایل سمعی و بصری خود شامل دو قسمت قابل تفکیک است: یکی سخت افزار و دیگری نرم افزار. قسمت سخت افزار با تجهیزات فیزیکی و واقعی سر و کار دارد، از قبیل: پروژکتور اسلاید، ضبط صوت، دستگاه ویدئو و غیره نرم افزار شامل اقلام متعددی است که در رابطه با تجهیزات و دستگاه های مذکور مورد استفاده قرار میگیرد، مانند طلق های شفاف اووهدر، اسلاید، نوارهای شنیداری، برنامه های رایانه، زبان های نوشتاری و غیره. به طور آشکار، کاربرد تکنولوژی در تعلیم و تربیت یکی از جنبه های مهم تکنولوژی است. (احدیان و همکاران، ۱۳۷۸) تجارب قبلی مبنای ادراکات، طرز فکرها و شکل گیری رفتارهای ما را تشکیل می دهند. در دنیایی که هر روز پیچیده تر می شود، شاگردان مدرسه نیازمندند که بیشتر و بهتر درباره محیط خود بیاموزند و چون امکان آموختن از طریق تجربه دست اول (منظور از تجربه دست اول، عمل یا برخورد مستقیم دانش آموز با شیء یا پدیده آموختنی است) در همه موارد وجود ندارد، لذا نحوه تدریس این پدیده ها بسیار پیچیده می شود. هدف این است که شاگرد بتواند تا حد امکان پدیده های علمی را توسط تجارب دست اول یا نزدیک به آن تجربه کند.

نتیجه گیری

برآیند تحلیل های صورت گرفته بر مبنای دیدگاه های مطرح در حوزه سوادهای رسانه ای، اطلاعاتی و نوین نشان می دهد که ارتقای سواد هوش مصنوعی معلمان، کلید استقرار یک نظام آموزشی پویا، داده محور و منعطف در مواجهه با تحولات آینده است. اگرچه ادبیات پژوهشی سنتی بیشتر بر سواد رسانه ای متمرکز بوده است، اما مبانی نظری استخراج شده از آثار پژوهشگرانی چون نصیری و بخشی (۱۳۹۱) و همچنین شریفی و کرمی نامیوندی (۱۳۹۷)، به وضوح نشان می دهد که اصول حاکم بر تحلیل انتقادی، ارزیابی پیامدها و استفاده مسئولانه از فناوری در سواد رسانه ای، مبنای اصلی توسعه سواد هوش مصنوعی را تشکیل می دهند. معلمان مجهز به سواد



هوش مصنوعی می‌تواند با استفاده از خروجی‌های تحلیلی سامانه‌های هوشمند، تصمیم‌گیری‌های آموزشی خود را بر پایه شواهد دقیق و داده‌های واقعی استوار سازند و از رویکردهای سنتی مبتنی بر حدس و شهود فاصله بگیرند. این امر، چنان‌که عباس تقی‌زاده و علی‌اصغر کیا در نیازسنجی برنامه‌های آموزشی مدارس نشان داده‌اند، به معلمان کمک می‌کند تا برنامه‌ریزی‌های آموزشی خود را دقیقاً بر اساس نیازهای واقعی و تفاوت‌های فردی دانش‌آموزان تنظیم نمایند (تقی‌زاده و کیا، ۱۳۹۳). تأثیر مستقیم این توانمندی در بهبود کیفیت تدریس ظاهر می‌شود؛ جایی که معلم به جای اتلاف وقت در کارهای اداری و تکراری، نقش طراح و تسهیل‌کننده محیط‌های یادگیری پیچیده را ایفا می‌کند. علاوه بر این، در دوران ابتدایی که بنیان‌های فکری و هویتی کودکان شکل می‌گیرد، اهمیت آموزش سواد رسانه‌ای و نظارت بر تعاملات دیجیتال دوچندان است. صفورا سلیمانی و همکارانش یادآور می‌شوند که مواجهه زود هنگام کودکان با رسانه‌ها بدون نظارت هدایت‌گرانه معلمان و والدین می‌تواند به اختلال در فرآیند جامعه‌پذیری و کاهش تمرکز عمیق منجر شود (سلیمانی و همکاران، ۱۴۰۲). معلمی که از سواد هوش مصنوعی برخوردار است، به خوبی درک می‌کند که چگونه باید دانش‌آموزان خردسال را در استفاده ایمن و خلاقانه از برنامه‌های هوشمند یاری دهد تا جنبه‌های شناختی و عاطفی آنان به طور هماهنگ رشد کند. همچنین، استقرار فرایندها و بروندهای معتبر در برنامه‌های درسی که توسط شکوفه سادات رضازاده و همکارانش مورد ارزیابی قرار گرفته است، نشان‌دهنده لزوم وجود شاخص‌های عینی برای سنجش اثربخشی این آموزش‌هاست (رضازاده و همکاران، بی‌تا). به عبارتی، سواد هوش مصنوعی معلمان نباید در قالب مفاهیم انتزاعی باقی بماند، بلکه باید تأثیر ملموس خود را بر کیفیت یادگیری، افزایش انگیزش تحصیلی و تقویت خودتنظیمی دانش‌آموزان نشان دهد. در نهایت، سواد هوش مصنوعی معلمان به عنوان نیروی محرکه‌ای عمل می‌کند که آموزش سنتی را به یادگیری اثربخش و مادام‌العمر پیوند می‌زند. زمانی که معلمان بتوانند بین ظرفیت‌های فناورانه و اهداف تربیتی تعادل برقرار سازند، دانش‌آموزان نیز مهارت‌های تفکر انتقادی را بهتر فرا می‌گیرند و توانایی حل مسئله را در خود پرورش می‌دهند (علیزاده و عبدلی سلطان احمد، بی‌تا). با توجه به لزوم توجه به سواد رسانه‌ای در نظام تعلیم و تربیت کشور که به عنوان یک ضرورت حاکمیتی مطرح گردیده است، ارتقای سواد هوش مصنوعی معلمان دیگر یک انتخاب فردی نیست، بلکه یک الزام راهبردی برای نظام‌های آموزشی است تا بتوانند نسلی کارآمد، پرسشگر و خلاق را برای زیستن و فعالیت در دنیای پیچیده فردا تربیت کنند (سایت بازار کار، ۱۴۰۳). بنابراین، سرمایه‌گذاری بر توانمندسازی معلمان در این عرصه، تضمین‌کننده پویایی کلاس‌های درس، بهبود مستمر تصمیم‌گیری‌های آموزشی و ارتقای همه‌جانبه کیفیت یادگیری در مدارس کشور خواهد بود.

منابع

۱. باقر امیری، نقش رسانه ها و آموزش به کودکان، کارشناس رسانه و آموزش و پرورش، 1402/07/19 توسط شورای عالی آموزش و پرورش
۲. تفکر و سواد رسانه ای از دیدگاه دبیران و دانش آموزان شهر اصفهان، مجله علمی پژوهشی پژوهش های برنامه درسی انجمن مطالعات برنامه درسی ایران، بهار و تابستان ۱۴۰۰
۳. دکتر بهاره نصیری، دکتر بهاره بخشی، اهمیت آموزش سواد رسانه ای در قرن بیست و یکم، آبان ۱۳۹۱
۴. رضا رحیمی، دکتر محمد سلطانی فر، دکتر افسانه زمانی مقدم، دکتر فاطمه عزیزآبادی فراهانی، دکتر بهاره نصیری، طراحی برنامه درسی سواد رسانه
۵. رقیه عزیزاده، دکتر جواد عبدلی سلطان احمد، تاثیر آموزش سواد رسانه ای بر مهارت های تفکر انتقادی دانش آموزان، سایت بازار کار، لزوم توجه به سواد رسانه ای در نظام تعلیم و تربیت کشور، شهریور ۱۴۰۳، کد خبر ۱۶۱۵۷۳
۷. سیده مهدی شریفی، سجاد کرمی نامیوندی، بررسی ابعاد آموزش سواد رسانه ای و اطلاعاتی در نظام تعلیم و تربیت رسمی و عمومی کشور، دو فصلنامه علمی-پژوهشی دین و ارتباطات، خرداد ۱۳۹۷
۸. شکوفه سادات رضا زاده، محمدرضانیلی، محمدرضا لیلی، مظهر چشمه سهرابی، شناسایی و اعتبارسنجی فرایندها و بروندهای برنامه درسی
۹. صفورا سلیمانی، آمنه مالک زاده، سمانه مالک زاده، آموزش سواد رسانه در دوران ابتدایی، فصلنامه علمی تخصصی سلامت روان در مدرسه، مرداد ۱۴۰۲
۱۰. عباس تقی زاده، علی اصغر کیا، نیازسنجی برنامه آموزش سواد رسانه ای در مدارس، شهریور ۱۳۹۳